

چهره شناخته شده ادبیات و هنر معاصر ایران در خاک آرمید

بدرقه جواد مجایی تا امامزاده طاهر کرج



مراسم تشییع پیکر جواد مجایی، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار فقید، چهارشنبه ۱۸ شهریور با حضور جمعی از چهره‌های ادبی و فرهنگی در کوی نویسندگان بر گزار شد. پیکر او برای خاکسپاری به امامزاده طاهر کرج منتقل شد. در این مراسم، شماری از نویسندگان و اهالی فرهنگ ضمن یادآوری جایگاه و کارنامه مجایی، از ویژگی‌های شخصیتی، ادبی و فرهنگی او گفتند. جواد مجایی در مجموع بیش از ۵۰ اثر در قالب‌های مختلف، از جمله شعر، داستان کوتاه، رمان، طنز، نمایشنامه، فیلم‌نامه و پژوهش منتشر کرده است. او پس از یک دور بیماری، ۱۴ شهریور ۱۴۰۵ در ۸۷ سالگی درگذشت.

محرومیت از تحصیل و اخراج رضا نیاپرست، دانشجوی دانشگاه بهشتی



رضا نیاپرست، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، توسط کمیته انضباطی این دانشگاه به‌دو مرتبه محرومیت از تحصیل و اخراج از این دانشگاه محکوم شد. بر اساس حکم بدوی صادره توسط کمیته انضباطی دانشگاه شهید بهشتی، رضا نیاپرست از بابت اتهامات ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه و توهین به شعار اسلامی یا ملی به‌دو ترم محرومیت از تحصیل و اخراج محکوم شده است.

صد او سیما برنامه روشن راهم توقیف کرد



برنامه «روشن» یا اجرای علی میرمیرانسی تنها مدت کوتاهی پس از انتشار در فیلم‌وب با دستور سانسور متوقف شد. به گزارش شهر آریوز، پیکری‌ها از بلتفرم فیلم‌وب حاکی از آن است که برنامه «روشن» به تازگی با دستور سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (سانرا) متوقف شده است. توقف «روشن» در حالی رخ داده که امروز خبر توقف تولید برنامه «شفرونی» نیز منتشر شد؛ اتفاقی که به معنای متوقف شدن انتشار دو برنامه محصول تلویزیون در یک روز است. هنوز جزئیات بیشتری درباره علت توقف این دو برنامه یا زمان احتمالی رفع توقیف آنها اعلام نشده است.

سه جایزه برای «سرزمین فرشته‌ها» از جشنواره رازان



فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» به نویسندگی و کارگردانی بابک خواجه پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی، موفق به کسب ۳ جایزه در بیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کازان شد. به گزارش روابط عمومی پروژه، جایزه بزرگ جشنواره کازان به عنوان بهترین فیلم (Grand Prix)، جایزه بهترین بازیگر زن برای سولاف فواخری و جایزه بهترین فیلمبرداری برای علیرضا براننده، سه جایزه «سرزمین فرشته‌ها» از این جشنواره هستند. این جشنواره از ۴۰ تا ۲۶ سپتامبر ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ (شهریور ۱۴۰۵) در شهر کازان، پایتخت جمهوری تاتارستان روسیه برگزار شد. «سرزمین فرشته‌ها» که محصول مشترک موسسه تصویر شهر و سازمان سینمایی سوره است پیش از این در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر با کسب ۵ سیمرغ بلورین و ۱۰ دیپلم افتخار، بر افتخارترین فیلم این دوره شناخته شد و از جمله تولیدات سینمای ایران با نگاه و ظرفیت بین‌المللی است که با بهره‌گیری از بازیگران عرب، روایتی انسانی از جنگ و بحران در غزه را به می‌دهد.

رئیس اندیشکده خانه تئاتر معرفی شد



علیرضا گیلگوری، مدیرعامل خانه تئاتر در حکمی رآتمین شهبازی را به عنوان رئیس اندیشکده خانه تئاتر معرفی کرد. رآتمین شهبازی استادیار اندیشکده

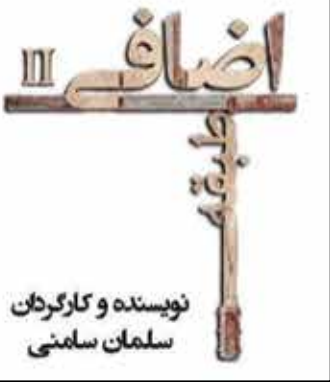
هنر دانشگاه بین‌المللی سوره و پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای هنرهای نمایشی است. نگارش بیش از ۳۰۰ مقاله پژوهشی در حوزه هنرهای نمایشی را از چندین عنوان مقاله علمی در همایش‌های ملی و بین‌المللی عضویت در انجمن نویسندگان منتقدان و پژوهشگران خانه تئاتر، تألیف کتاب‌های «هئاته‌شناسی فرهنگی تاریخ ادبیات و تئاتر ایران»، «قتباس در فیلم کوتاه»، «روایت در فیلم کوتاه» بخشی از کارنامه کارب شهبازی محسوب می‌شود. مدیریت بخش پژوهش چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، داوری جشنواره‌های فیلم کوتاه تهران، تئاتر عروسکی، مستندسینماحقیقت از دیگر فعالیت‌های شهبازی است.

«۳۲ متر» نامزد بهترین مستند جوایز آسیا- پاسیفیک شد



فیلم مستند «۳۲ متر» ساخته مرتضی اتابکی، در بخش بهترین مستند جوایز آسیا- پاسیفیک ۲۰۲۶ (APSA) نامزد شد. به گزارش ایلنا، «۳۲ متر» که

پیش‌تر جایزه بهترین فیلم و بهترین تدوین از جشنواره بین‌المللی فیلم استانبول در ریافت کرده بود، نخستین نمایش جهانی خود در هم جشنواره بین‌المللی فیلم مستند استرام‌دام (IFFID) ۲۰۲۵ تجربه کرد و در میان ۱۰ فیلم محبوب تماشاگران این جشنوار قرار گرفت. این فیلم در HotDocs ۲۰۲۴ نیز در تبه چهارم از میان ۱۰ فیلم محبوب تماشاگران قرار گرفت. «۳۲ متر» همچنین جایزه تماشاگران جشنواره مستند پورتون را دریافت کرده است. این تماشاگران مشترک‌ترکیه و ایران است و داستان گروهی از زنان روستایی در آناتولی را دنبال می‌کند که جامعه‌ای با مرزبندی‌های سنتی، تصمیم می‌گیرند یک مسابقه تیراندازی ویژه زنان برگزار کنند. تلاش آن‌ها برای برگزاری این مسابقه، به تدریج به مواجهه با قواعد تثبیت‌شده جامعه محلی تبدیل می‌شود؛ روایتی از یک قیام زانه‌ام‌اشیرین و باباشاط، در دل روستا.



نویسنده و کارگردان سلمان سامنی

درباره نمایش «طبقه اضافی ۲» به نویسندگی سلمان سامنی

نزاع بر سر اندکی پول بود و چند متر آپارتمان



محمدحسن خدایی

این اجرا که «طبقه اضافی ۲» نام گرفته و به شکل آیرونیکی، گویا اشاره دارد به طبقه اجتماعی و تعداد طبقات خانه، قصد دارد با روایتی پر تنش مابین آدم‌ها، بر این نکته تکیه کند که گویا تضادهای طبقاتی به مرحله حساسی رسیده و حتی در سطح محله، امید چندانی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز تضادها وجود ندارد. بنابراین یک مراسم ساده خواستگاری می‌تواند بدل به چنان منازعه‌ای عظیمی شود که شیراز، امور را از هم بگسلاند و کیان خانواده‌ها را تهدید کند.

شوربخانه در این مراسم عجیب و غریب خواستگاری، خبر چندانی از ارزش‌های ناب بشری مشاهده نمی‌شود و آن واقعیتی که عیان است، نمایان شدن لایه‌ای باورنکردنی از عدم اعتماد میان حاضرین و مواجهه با سوبه‌های خطرناکی از افشاشگاری. به دیگر سخن، تماشاگران به تماشای چیزی یکسره متفاوت نشده‌اند که مبتنی بر زوال و تباهی روابط انسانی است.

اجرا امانتی توان‌نگاه عمیقی داشته باشد و



محمد تقی زاده

یک مولود پر کشتش را دارد. حضور نگس آریار در مقام کارگردان نیز انتظارها را بالاتر برده به ویژه بعد از تجربه‌های قبلی او در اقتباس ادبی و ساخت آثار رنجی.

باین حال، آنچه در نهایت روی پرده دیده می‌شود، فاصله قابل توجهی با ظرفیت بالقوه داستان دارد. «امداد خمار» در بسیاری از لحظات از نظر ظاهر، طراحی صحنه و بازسازی دوره تاریخی چشم‌گیر است، اما هر چه جلوتر می‌رود، ضعف‌های روایی بیشتر خود را نشان می‌دهند. مشکل اصلی سریال نه درایده‌نگار، در نحوه تبدیل این ایده به یک روایت سریالی است؛ روایتی که در بخش‌هایی بیش از اندازه کش پیدای می‌کند، در شخصیت پردازی عمیق لازم را پیدا نمی‌کند و در مقاطعی به جای ایجاد تعلیق، صرفاً اطلاعات را به تأخیر می‌اندازد.

بزرگ‌ترین مسئله: ریتمی که بار داستان را به دوش نمی‌کشد

شاید بتوان مهم‌ترین ضعف «امداد خمار» را در ریتم آن خلاصه کرد. سریال برای رسیدن به نقاط مهم داستان، زمان زیادی صرف می‌کند و در مقابل، زمانی که سرانجام به نقطه‌های عطف می‌رسد، گاهی با سرعت از آنها عبور می‌کند. این ناهماهنگی باعث می‌شود وزن قسمت‌های مختلف یکسان نباشد. کندی در یک سریال لزوماً ضعف نیست. یک اثر می‌تواند آرام‌پیش‌برود و همچنان مخاطب را درگیر نگه‌دارد، به شرط آنکه هر صحنه اطلاعات تازه‌ای درباره شخصیت، رابطه یا تعارض اصلی ارائه کند. مشکل «امداد خمار» این است که بخشی از این زمان طولانی صرف موقعیت‌هایی می‌شود که تغییر محسوس در وضعیت داستان ایجاد نمی‌کنند.

در نتیجه، مخاطب گاهی احساس می‌کند به جای آنکه داستان در حال پیش‌روی باشد، صرفاً در حال آماده‌شدن برای پیش‌روی است. این مسئله در فصل اول بیشتر به چشم می‌آید، در آغاز فصل دوم نیز به‌طور کامل بر طرف نشده است. فصل دوم از جایی آغاز می‌شود که فصل نخست به پایان رسیده، اما در شروع آن هنوز همان مسئله قدیمی وجود دارد؛ فاصله میان ظرفیت اتفاقات داستان و سرعت روایت.

داستانی که ظرفیت یک سریال فشرده‌تر را داشت

رمان «امداد خمار» داستانی نسبتاً متمرکز دارد و نیروی اصلی آن از رابطه محبوبه و حیم و تضاد میان انتخاب عاطفی فرد و ساختار خانواده و طبقه اجتماعی ناشی می‌شود. بنابراین برای تبدیل آن به یک سریال چندفصلی، لازم بود جهان داستان گسترش پیدا کند، اما این گسترش باید با خلق موقعیت‌های دراماتیک تازه همراه می‌شد. در «امداد خمار» گاهی چنین به نظر می‌رسد که برای سریالی شدن داستان، زمان روایت افزایش یافته، اما حجم درام متناسب با آن رشد نکرد؛ دست‌نهیجه، صحنه‌هایی است که می‌توانستند کوتاه‌تر

باشند، بدون آنکه چیزی از داستان از دست‌برود.



فی‌المثل نه‌آن چنان که مهار کسبیت‌ها از تغییر اجتماعی مراد می‌کنند و جامعه را محل بروز آن می‌دانند. یعنی تحولاتی که روابط تولید را شامل می‌شود و مبتنی است بر تغییرات در ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها. از دل این فرآیند همه‌جانبه است که روابط اجتماعی تازه‌ای پدیدار می‌شود که علیه نظم قدیم عمل کرده و نیروهای مادی جامعه را از نور صورتبندی می‌کند. این روابط تولید را می‌توان به نوعی ناف‌ی روابط تولید قدیم دانست که در صورت فراگیری، منجر به یک انقلاب اجتماعی پیش‌رو می‌شود که امیدبخش و تعیین‌کننده است.

اما چیزی که در این نمایش آشکار شده بازتولید یک جامعه‌هنجار گریزی با اخلاق است که نمی‌شود از شرف دفاع کرد؛ آرزوی زیستن در آن را داشت. این که دو خانواده به شکل همزمان به مراسم خواستگاری یک دختر دعوت شده و بر سر انتخاب یک گزینه، به رقابت و جدال پیردازنده همان نکته‌ای است که در طول اجرا با لحن کمیک پی گرفته می‌شود.

محصل برگزاری این مراسم بر تعداد به لحاظ حضور آدم‌ها، نمایان شدن روابط خصمانه و خارج از عرفی است که به شلوغی روایت و صحنه‌دامن می‌زند و تمامی ابروهای پیش‌برنده یک اجرای تئاتری از مصروف‌امور بیهودهای می‌کند که معلوم نیست چرا در یک بازه زمانی بسیار کوتاه می‌بایست طرح شده و فضای کلی نمایش را به بیراهه برند.

مشکل اساسی نمایش «طبقه اضافی ۲» نداشتن استراتژی است. اجرا سرگردان است میان کمدی یا انتقادی بودن، وقتی آدم‌های نمایش، بی‌وقفه کلام بر زبان رانده و دیگران را خطاب می‌کنند؛ این که به درستی شناسانده

شده باشند، همین اتفاقی خواهد افتاد که بر سر این نمایش آمده است. یعنی امر تماشاایی به محاق رفته و «فضاسازی» امری دست‌نیافتنی می‌شود.

وقتی شخصیت‌های یک نمایش، مدام حرف می‌کنند و بی‌توجه به قسه و کلیت ماجرا، هر چه نمایش‌نامه نویس ترجیح داده را بر زبان می‌رانند؛ اجرای مواجهه خواهیم بود که همه چیز را با کلام می‌خواهد رفع و رجوع کند. البته ناگفته‌نماند که به وقت تماشا کردن، با کمی توجه و تمرکز، می‌توان روند امور را در این نمایش متوجه شد. اما تماشاگر این قبیل اجراها چه گناهی دارد که فقدان فضاسازی را با نبوهی کلمات با ربط و بی‌ربط جبران کند و دم برنیاورد.

سلمان سامنی در مقام نویسنده و کارگردان توانسته مانند بعضی آثار قبلی خویش، دست به شخصیت‌پردازی قابل فهمی بزند که آدم‌های نمایش هویت

اجتماعی مشخص داشته باشند. می‌دانیم که در مطالعات جامعه‌شناختی، هویت اجتماعی افراد بر مولفه‌هایی چون باورهای مذهبی، طبقه اجتماعی، رده سنی، میزان تحصیلات و سبک زندگی استوار است.

کوتاه‌می‌شود اما به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کند که بر سازنده هویت اجتماعی این افراد باشد. از یاد نبریم که در صحنه مربوط به مراسم خواستگاری، شش‌زده نفر به‌طور هم‌زمان بر صحنه حاضر بوده و مشغول مکالمات مجادله‌آمیزند. کار در ادامه به‌دوگویی و خنداندن می‌رود. وقتی سه خانواده در یک اتاق کوچک، کتار یکدیگر قرار گرفته و به تدریج از احترام کاذب اولیه به مع‌ج‌گیری و افشاشگاری انتهای می‌رسند می‌توان حدس زد که چننه گروه اجرای از ساختن موقعیت‌های متکثر چه

میزان خالی بوده است. اجرا می‌توانست از مصرف این حجم از کلمات روزمره که فاقد نزاکت اجتماعی است، حذر کرده و بر ساختن موقعیت دراماتیک تأکید کند که با سکوت به دست می‌آید. اما این فرصت از کف می‌رود تا با اجرای بیش از اندازه شلوغ و روبرو شویم که بسیاری از آدم‌هایش حضوری لازم بر صحنه

امید که سلمان سامنی در مسیری که

انتخاب کرده، بیش از این با سنت‌های تئاتری این کشور وارد گفتگو شود؛ و از آنان بیاموزد. راه دشوار است و وقت به غایت اندک و این حقیقتی است انکارنشدنی که جماعت تئاتری بهتر است در نظر گیرد.

سلمان سامنی در مقام نویسنده و کارگردان توانسته مانند بعضی آثار قبلی خویش، دست به شخصیت‌پردازی قابل فهمی بزند که آدم‌های نمایش هویت

اجتماعی مشخص داشته باشند. می‌دانیم که در مطالعات جامعه‌شناختی، هویت افراد بر مولفه‌هایی چون باورهای مذهبی، طبقه اجتماعی، رده سنی، میزان تحصیلات و سبک زندگی استوار است.

کوتاه‌می‌شود اما به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کند که بر سازنده هویت اجتماعی این افراد باشد. از یاد نبریم که در صحنه مربوط به مراسم خواستگاری، شش‌زده نفر به‌طور هم‌زمان بر صحنه حاضر بوده و مشغول مکالمات مجادله‌آمیزند. کار در ادامه به‌دوگویی و خنداندن می‌رود. وقتی سه خانواده در یک اتاق کوچک، کتار یکدیگر قرار گرفته و به تدریج از احترام کاذب اولیه به مع‌ج‌گیری و افشاشگاری انتهای می‌رسند می‌توان حدس زد که چننه گروه اجرای از ساختن موقعیت‌های متکثر چه

میزان خالی بوده است. اجرا می‌توانست از مصرف این حجم از کلمات روزمره که فاقد نزاکت اجتماعی است، حذر کرده و بر ساختن موقعیت دراماتیک تأکید کند که با سکوت به دست می‌آید. اما این فرصت از کف می‌رود تا با اجرای بیش از اندازه شلوغ و روبرو شویم که بسیاری از آدم‌هایش حضوری لازم بر صحنه

امید که سلمان سامنی در مسیری که انتخاب کرده، بیش از این با سنت‌های تئاتری این کشور وارد گفتگو شود؛ و از آنان بیاموزد. راه دشوار است و وقت به غایت اندک و این حقیقتی است انکارنشدنی که جماعت تئاتری بهتر است در نظر گیرد.

سلمان سامنی در مقام نویسنده و کارگردان توانسته مانند بعضی آثار قبلی خویش، دست به شخصیت‌پردازی قابل فهمی بزند که آدم‌های نمایش هویت

اجتماعی مشخص داشته باشند. می‌دانیم که در مطالعات جامعه‌شناختی، هویت افراد بر مولفه‌هایی چون باورهای مذهبی، طبقه اجتماعی، رده سنی، میزان تحصیلات و سبک زندگی استوار است.

کوتاه‌می‌شود اما به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کند که بر سازنده هویت اجتماعی این افراد باشد. از یاد نبریم که در صحنه مربوط به مراسم خواستگاری، شش‌زده نفر به‌طور هم‌زمان بر صحنه حاضر بوده و مشغول مکالمات مجادله‌آمیزند. کار در ادامه به‌دوگویی و خنداندن می‌رود. وقتی سه خانواده در یک اتاق کوچک، کتار یکدیگر قرار گرفته و به تدریج از احترام کاذب اولیه به مع‌ج‌گیری و افشاشگاری انتهای می‌رسند می‌توان حدس زد که چننه گروه اجرای از ساختن موقعیت‌های متکثر چه

میزان خالی بوده است. اجرا می‌توانست از مصرف این حجم از کلمات روزمره که فاقد نزاکت اجتماعی است، حذر کرده و بر ساختن موقعیت دراماتیک تأکید کند که با سکوت به دست می‌آید. اما این فرصت از کف می‌رود تا با اجرای بیش از اندازه شلوغ و روبرو شویم که بسیاری از آدم‌هایش حضوری لازم بر صحنه